

بررسی وجوب تعیینی نماز جمعه از خلال آیات و روایات

احمد علی قانع*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۸/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۵/۳

چکیده

تردیدی در اهمیت برقراری نماز جمعه در اصلاح فرد و اجتماع وجود ندارد. حکم تکلیفی این امر الهی در اذهان عموم مردم متدین به تبع فتوای جمعی از فقهای عظام وجوب تخییری در زمان غیبت است. این مقاله مروری دارد بر آیات قرآنی مربوط به نماز جمعه و روایات معصومان(ع) و با اشاره به سه نظریه مهم یعنی نظریه حرمت و وجوب تخییری و وجوب تعیینی نماز جمعه در زمان غیبت، آیات و روایات مربوط را بازخوانی می‌کند. دلایل مطرح شده توسط قایلان حرمت را سست و ضعیف می‌داند و اعتقاد دارد قایلان بزرگوار قول تخییری نیز برای اثبات رأی خود ادله روشن و قاطعی نیاورده و در نهایت قول به وجوب تعیینی نماز جمعه در این نوشته اثبات می‌گردد. اگر منظور از قایلان به وجوب تخییری وجوب ترتیبی باشد آنگاه نتیجه این پژوهش منطبق بر آرا آنها خواهد بود و در غیر این صورت شبیه مساوی بودن نماز ظهر و جمعه پرشور نبودن نمازهای جمعه را به دنبال خواهد داشت. وضعیتی که جوامع شیعی برعکس جوامع اهل تسنن با آن مواجهند.

واژگان کلیدی

نماز جمعه، عصر غیبت، فقه امامیه، وجوب تعیینی.

طرح مسئله

قرآن کریم و روایات معصومان (ع) دو منبع اصلی فقه اسلام به شمار می‌روند و از عناصر پویائی فقه شیعه آن است که فقهای عظام در طول تاریخ غیبت همواره در تک‌تک مسائل، دلایل مربوطه را مورد کنکاش قرار داده و مطابق فهم خود و بر اساس افاده‌ای که ادله برای هر فقیه داشته، رأی خود را پیرامون آن ابراز داشته‌اند. چه بسیار مسائلی که تا زمانی فقها در مورد آن رأی داشته و پس‌از آن رأی دیگری بر اساس استدلال‌ات و براهین متفاوت، توسط جمعی دیگر از آن‌ها ارائه شده و چه‌بسا در یک‌زمان آراء فقها به دو یا چند دسته تقسیم شده و حتی یک فقیه در دو دوره از زندگی، در دو کتاب خود، نسبت به یک مسئله دوگونه فتوا صادر کرده است و این آزاداندیشی فقهای شیعه را می‌رساند و تابع برهان بودن آن‌ها را.

نماز جمعه یکی از مهم‌ترین فریضه‌های دینی در شرع مقدس اسلام است. انسان مسلمان، مکلف است تا در زمان حضور حضرت پیامبر اکرم (ص) و حضرات معصومان (ع)، نماز جمعه را به شکل یک امر واجب عینی تعیینی اقامه نماید و در میان فقهای عظام در فقه امامیه، به راین مطلب اجماع وجود دارد. اما در زمان غیبت، عدّه‌ای از فقهای عظام حکم نماز جمعه را وجوب تخییری، عدّه‌ای دیگر وجوب تعیینی و در نهایت عدّه‌ای اقامه‌ی نماز جمعه در زمان غیبت را حرام می‌دانند.

اگرچه نظر مشهور در حال حاضر وجوب تخییری است اما بحث و بررسی پیرامون استدلال‌های هر سه دسته و بازخوانی نظرات و دلایل اختلاف آن‌ها در طول تاریخ، نظر وجوب عینی تعیینی این فریضه را تقویت می‌کند به‌ویژه آن که ما در زمان حکمرانی ولی فقیه جامع‌الشرایط زندگی می‌کنیم و عملاً اهمیت و ارزش نماز جمعه را حس کرده که چگونه این کنگره‌ی عظیم الهی هر هفته در رواج اعتقادات صحیح، مواظب اخلاقی، احکام شرعی، مصالح فردی و اجتماعی، و به‌طور خلاصه در اصلاح سیاست، فرهنگ، اخلاق و دین فرد و اجتماع تأثیر معجزه‌آسایی دارد.

با اشاره‌ای که به اهمیت نماز جمعه داشتیم ضرورت این پژوهش آشکار می‌گردد. زیرا در حال حاضر به سبب اشتها حکم وجوب تخییری، بسیاری از مردم نسبت به

نماز جمعه بی اعتنا و درصد کمی از مردم به آن پای بند هستند. مطلبی که می توانست به طور همگانی و مستمر منبری باشد برای ایجاد تحول فرهنگی در میان مردم و پرواضح است که تحول فرهنگی دیگر تحولات مورد نیاز یک جامعه پیشرفته اسلامی را در پی دارد اما اکنون شهرت وجوب تخییری، مساوی بودن نماز جمعه و نماز ظهر جمعه را در اذهان مردم به وجود آورده و به دنبال آن پرشور نبودن این جایگاه عبادی سیاسی، اجتماعی را باعث شده است.

فتوای مشهوری که تنها در زمان ما شهرت دارد. نه از مفاد آیات و روایات این فتوا برداشت می شود و نه دلیلی دیگر مثل اجماع و عقل گویای آن است و این کوتاهی علمی و عملی اختصاص به جوامع شیعه دارد. نگارنده در این مقاله سعی دارد مفاد آیات و روایات را بازخوانی کرده و نشان دهد حکم نماز جمعه چیزی جز وجوب عینی تعیینی نیست و در مقاله دیگری سعی نموده به ادعای برخی از بزرگان مبنی بر وجود اجماع بر نفی وجوب تعیینی نماز جمعه پاسخ داده و وجوب تعیینی را از خلال نصوص فقهی به اثبات برساند.

بحث و بررسی پیرامون موضوع این مقاله در اغلب کتب فقهی مشاهده می شود و اما نگارش کتب و رساله های خاص در این موضوع آنقدر فراوان است که برخی از محققان تعداد کتب و رساله ها را بیش از هزار مورد معرفی می کنند. ما در این مقاله به تناسب حجم و اقتضای مقاله برخی از آنها را معرفی می کنیم. رساله فی صلاه الجمعه (شهید ثانی)، الشهاب الثاقب (فیض کاشانی)، رساله فی صلاه الجمعه (تنکابنی)، صلاه الجمعه (محقق سبزواری)، رساله فی صلاه الجمعه و اختیار الوجوب التعمینی (عبدالعظیم اشترآبادی)، رساله در نماز جمعه (شوشتری)، رساله فی صلاه الجمعه و القول بوجوبها (این یوسف بحرانی)، رساله الجمعه (شیخ حر عاملی)، صلاه الجمعه (محمدباقر مجلسی)، دوازده رساله فقهی درباره نماز جمعه در روزگار صفویه (رسول جعفریان)، صلاه الجمعه تاریخیاً و فقهیاً (کاظم جابری)، نماز جمعه و اهمیت آن در روایات (علی قاضی عسکر) و صدها کتاب و مقاله دیگر که ذکر نام آنها در این مختصر نمی گنجد.

حال پس از مقدمه به اهمیت این فریضه الهی اشاره کرده در خلال بیان اهمیت می‌توان به طور اجمال حکم آن را استخراج کنیم.

۱. نماز جمعه در آیات قرآن

در آغاز اهمیت این فریضه الهی را که به حکم آن نیز اشعار دارد از طریق آیات و روایات دنبال می‌کنیم خداوند متعال در امر صریح خود می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (جمعه: ۹)؛ هانی کسانی که ایمان آوردید هنگامی که در روز جمعه برای نماز جمعه اذان داده می‌شود به سوی ذکر خدا بشتابید و دادوستد را رها کنید، اگر بفهمید این برای شما بهتر است.

مفسر بزرگ مرحوم طبرسی می‌نویسد: «در این آیه دلیلی بر وجوب نماز جمعه و تحریم کارهای دیگر به هنگام شنیدن اذان روز جمعه وجود دارد. اگر خداوند بیع را به عنوان خاص نهی کرد از آن جهت بود که یکی از مهم‌ترین کارها و سببها در کسب و معاش است و نهی دلالت بر فساد دارد». (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۹-۱۰، ص ۴۳۴)

همین‌طور مرحوم فیض کاشانی در ذیل این آیه شریفه آورده است: خداوند متعال مردم را به اجتماع در روز جمعه (نماز جمعه) امر کرده و بر ترک معامله و دادوستد و شتافتن به سوی یاد خدا را از هر معامله دیگر دنیوی بهتر دانسته زیرا نفع آخرت باقی‌تر و برتر است. (فیض کاشانی، ۱۴۰۲ق، ج ۵، ص ۱۷۴)

مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر این آیه شریفه می‌گوید: در این آیه عتابی است برای کسانی که به جای رفتن به نماز جمعه به لهو و تجارت و امثال آن می‌پردازند... مراد از ذکر خدا در این آیه نماز است و برخی آن را خطبه‌های قبل از نماز دانسته‌اند و نهی از هر کاری غیر از نماز جمعه است و اما علت بیان بیع آن است که از آشکارترین مصادیق کارهایی است که انسان را از نماز بازمی‌دارد. (طباطبائی، ۱۳۶۲ش، ج ۱۹، ص ۳۱۶)

و در شان نزول آخرین آیه‌ی شریفه‌ی سوره‌ی جمعه یعنی آیه: «وَ إِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُوا إِلَيْهَا وَ تَرَكَوْكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهْوِ وَ مِنَ التِّجَارَةِ وَ اللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ» (جمعه: ۱۱)؛ و چون در بین نماز از تجارت و لهوی باخبر می‌شوند به‌سوی آن متفرق گشته تو را در حال خطبه سرپا رها می‌کنند بگو آنچه نزد خدا است از لهو و تجارت بهتر است و خدا بهترین رازقان است.

(در شان نزول این آیه) آمده که در یکی از سال‌ها که مردم مدینه گرفتار خشک‌سالی و گرسنگی و افزایش نرخ اجناس شده بودند کاروانی از شام فرا رسید و با خود مواد غذایی آورده بود در حالی که روز جمعه بود و پیامبر اکرم (ص) مشغول خطبه نماز جمعه بودند. طبق معمول برای اعلام ورود کاروان طبل زدند و حتی بعضی دیگر آلات موسیقی را نواختند. مردم با سرعت خود را به بازار رساندند در این هنگام مسلمانانی که در مسجد برای نماز اجتماع کرده بودند خطبه را رها کرده و برای تأمین نیازهای خود به‌سوی بازار شتافتند. تنها دوازده مرد و یک زن در مسجد باقی ماندند. آیه نازل شد و آن‌ها را سخت مذمت کرد.

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: اگر این گروه اندک هم می‌رفتند از آسمان سنگ بر آن‌ها می‌بارید. (طوسی، ۱۳۹۰ش، ج ۱۰، ص ۹؛ نیز مکارم شیرازی، ۱۳۷۹ش، ج ۵، ص ۱۸۲) و نیز از آن حضرت نقل است که فرمودند خداوند در هر روز جمعه ششصد هزار نفر را از آتش می‌رهاند که همه مستحق جهنم هستند آنگاه برخی از مردم بخشنده‌ترین بخشش‌ها را با پست‌ترین پستی‌ها مقابله کردند و آنگاه آیه «وَ إِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا» را تلاوت نمودند. (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۹، ص ۴۳۶)

۲. نماز جمعه در روایات

و اما روایات نشان دهنده‌ی حکم و اهمیت نماز جمعه فراوان است که به‌عنوان نمونه چند مورد آن را می‌آوریم:

۲-۱. قال رسول الله (ص): متی الجمعة ایماناً و احتساباً استأنف العمل؛ کسی که از روی ایمان و اخلاص نماز جمعه برود کار را از سر گیرد یعنی گویا از مادر

متولد شده است و تاکنون گناهی نکرده است. (عاملی، ۱۳۷۳ش، ج ۵، ص ۳؛ بروجردی، ۱۳۹۷ق، ج ۶، ص ۴۱۲)

مضمون این روایت به گونه‌ی دیگری نیز نقل شده است:

۲-۲. عن علی (ع) قال: قال رسول الله (ص): «أربعَةٌ يَسْتَأْنِفُ الْعَمَلُ الْمَرِيضُ إِذَا بَرَّئَ وَالْمَشْرُكُ إِذَا اسْلَمَ وَالْمُنْصَرَفُ مِنَ الْجُمُعَةِ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا وَ الْحَاجُّ»؛ چهار گروه اعمالشان از آغاز محاسبه می‌شود (گناهانشان بخشیده می‌شود) مریضی که از بیماری رها شود، مشرکی که اسلام بیاورد و کسی که باایمان و توجه از نماز جمعه برگشته و حاجی که از حج برمی‌گردد. (بروجردی، ۱۳۹۷ق، ج ۶، ص ۴۱۲؛ نوری، ۱۳۸۲ق، ج ۱، ص ۴۰۷؛ قاضی عبدالعزیز، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۹۹)

۳-۲. و قال الامام الصادق (ع): «مَا مِنْ قَدَمٍ سَعَتْ إِلَى الْجُمُعَةِ إِلَّا حَرَّمَ اللَّهُ جَسَدَهَا عَلَى النَّارِ»؛ گامی که به سوی نماز جمعه بشتابد خداوند آتش را بر او حرام می‌کند. (عاملی، ۱۳۷۳ش، ج ۵، ص ۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۶، ص ۱۸۴)

و در روایتی حضرت ختمی مرتبت فرموده‌اند:

۴-۲. «يَجْلِسُ النَّاسُ مِنْ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى قَدَرِ رَوَاحِهِمْ إِلَى الْجُمُعَةِ»؛ میزان قرب و بعد مردم از خداوند به میزان رفتن آن‌ها به نماز جمعه بستگی دارد. (بروجردی، ۱۳۹۷ق، ج ۶، ص ۴۱۰)

و فرزند ارجمندشان امام باقر (ع) فرموده‌اند:

۵-۲. «يَدْخُلُ الْمُؤْمِنُونَ إِلَى الْجَنَّةِ عَلَى قَدَرِ سَبَقِهِمْ إِلَى الْجُمُعَةِ»؛ مومنان به نسبت سبقتشان به نماز جمعه در رفتن به بهشت از هم پیشی می‌گیرند. (بروجردی، ۱۳۹۷ق، ج ۶، ص ۴۰۸)

و نواده‌ی دیگر ارجمندشان امام صادق (ع) بیان داشته‌اند:

۶-۲. «إِنَّ اللَّهَ أَكْرَمَ الْمُؤْمِنِينَ بِالْجُمُعَةِ فَسَنَّهَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) بِشَارَةِ لَهُمْ وَ تَوْبِيخًا لِلْمُنَافِقِينَ وَ لَا يَنْبَغِي تَرْكُهَا مُتَعَمِّدًا فَمَنْ تَرَكَهَا مُتَعَمِّدًا فَلَا صَلَاةَ لَهُ»؛ خداوند مؤمنان را با نماز جمعه گرامی داشته است و رسول اکرم (ص) این هدیه را سنتی قرار داد تا برای مؤمنان بشارتی باشد و برای منافقان توبیخی و لذا ترک آن از روی عمد شایسته نیست و هر کس آن را عمداً ترک کند نمازی برای او نیست. (نوری، ۱۳۸۲ق، ج ۱، ص ۴۰۷)

۷-۲. «و قالَ النَّبِيُّ (ص) فِي خُطْبَةٍ طَوِيلَةٍ نَقَلَهَا الْمُخَالَفُ وَ الْمُؤَالَفُ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى فَرَضَ عَلَيْكُمُ الْجُمُعَةَ فَمَنْ تَرَكَهَا فِي حَيَاتِي أَوْ بَعْدَ مَوْتِي اسْتَخْفَافاً بِهَا أَوْ جُحُوداً لَهَا فَلَا جَمَعَ اللَّهُ شَمْلَةً وَ لَا بَارَكَ لَهُ فِي أَمْرِهِ أَلَا وَ لَا صَلَاةَ لَهُ، أَلَا وَ لَا زَكَاةَ لَهُ، أَلَا وَ لَا حِجَّ لَهُ، أَلَا وَ لَا صَوْمَ لَهُ، أَلَا وَ لَا بَرَ لَهُ حَتَّى يَتُوبَ». (عاملی، ۱۳۷۳ش، ج ۵، ص ۷ و نیز احمدبن حنبل، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۲۸۸ با اندکی تفاوت)

حضرت ختمی مرتبت در خطبه‌ای طولانی که هر دو فرقه سنی و شیعه نقل کرده‌اند فرمودند: خداوند بر شما نماز جمعه را واجب گرداند پس هرکسی آن را در زمان زندگی من و پس از مرگ من ترک کند و دلیل ترک او سبک شمردن نماز یا انکار آن باشد، خداوند تفرق او را جمع نکند (یا نمی‌کند)، و به کارش برکت ندهد (یا نمی‌دهد) آگاه باشد ... او نمازش پذیرفته نمی‌شود زکاتش پذیرفته نمی‌شود. حج و روزه و دیگر کارهای نیکش قبول نمی‌گردد مگر آنکه توبه کنند.

اطلاق روایات همه زمان‌ها و از جمله زمان غیبت را شامل می‌شود خصوصاً که حضرت تأکید می‌فرمایند «در زمان زندگی‌ام و پس از مرگ من» که باز پس از رحلت حضرت (ص) زمان غیبت امامان معصوم (ع) را شامل می‌شود و لحن حضرت (ص) در این روایات به گونه‌ای نیست که کسی بتواند شرکت در نماز جمعه را حمل بر استحباب کند و آن را صرفاً یک کار مرجحی بشمارد.

روایت دیگری از آن حضرت (ص) مطلب را به روشنی بیشتر بیان می‌دارد:

۸-۲. «إِنَّ اللَّهَ كَتَبَ عَلَيْكُمُ الْجُمُعَةَ فَرِيضَةً وَاجِبَةً إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (عاملی، ۱۳۷۳ش، ج ۵، ص ۶)؛ خداوند متعال نماز جمعه را بر شما واجب گردانیده تا روز قیامت. اگر کسی علی‌رغم کلماتی که در این روایات به کار رفته (کتب - فریضه - واجب - الی یوم القیامه) باز در وجوب این فریضه‌ی الهی شک کند و یا وجوب آن را مقید به زمان حضور معصوم (ع) بداند باید انکار او را مکابره و لجاجت دانست و نه برداشت عادی و عرفی از روایات.

۹-۲. ابی بصیر و محمد بن مسلم (که دو صحابی و راوی امامی مورد اعتماد هستند) از امام باقر (ع) نقل کرده‌اند که فرمود: «مَنْ تَرَكَ الْجُمُعَةَ ثَلَاثَ مُتَوَالِيَاتٍ بِغَيْرِ عِلَّةٍ

طَبَعَ اللَّهُ عَلَيَّ قَلْبِهِ؛ کسی که سه هفته نماز جمعه را بدون علت (قابل قبول) ترک کند خدا بر دل او مهر می‌زند. (عاملی، ۱۳۷۳ش، ج ۵، ص ۴، ح ۱۱)
ملاحظه می‌شود که همه روایات (که البته ما برخی را به عنوان نمونه نقل کردیم) به خوبی ضمن بیان اهمیت این واجب ربانی، حکم تکلیفی آن را نیز مشخص می‌کنند که ما در بحث‌های بعدی بدان خواهیم پرداخت.

۳. مروری اجمالی بر سیره رسول اکرم (ص) و امامان معصوم (ع)

۳-۱. برگزاری نماز جمعه توسط پیامبر اکرم (ص) در مدینه آغاز شد و خود حضرت این فریضه مؤکد قرآنی را اقامه می‌کردند. گفته می‌شود: رسول خدا (ص) نماز جمعه را در قباء یا در سر راه قباء به مدینه اقامه فرمود.

این اشکال هم که اگر پیامبر (ص) نماز جمعه را در قباء خوانده باشد، بدان معنی است که آن را در سفر اقامه کرده است؛ اشکال بی موردی است؛ زیرا احتمال می‌رود رسول خدا (ص) در قباء نیت اقامه کرد تا علی (ع) و همراهان او برسند. چه حضرت می‌دانست که آمدنشان بیش از ده روز طول خواهد کشید؛ چنان‌که گفته‌اند: رسول اکرم (ص) پانزده روز در قباء بود. همچنان که احتمال می‌رود در آن روزگار محله قباء یکی از محله‌های مدینه محسوب می‌شد. بدین ترتیب هرکس به قباء می‌رسید، چنان بود که به مدینه رسیده است». (مرتضی عاملی، ۱۳۹۰ش، ج ۲، صص ۱۹۸-۱۹۹)

۳-۲. در دوران خلافت خلفای سه‌گانه و سکوت امیرمؤمنان (ع)، امام (ع) و یارانش در شرایط تقیه و خوف به سر می‌بردند و برای حفظ مصالح اسلام نقش مثبت خود را ایفا می‌کردند و حتی با حاکمان زمان همراهی داشتند. آن‌ها با دیگر مردم در نمازهای جماعت و جمعه شرکت می‌کردند. این مطلب در قول و فعل دیگر امامان (ع) نیز دقیقاً وجود دارد که به عنوان نمونه مواردی را نقل می‌کنیم:

۳-۳. جابر (به احتمال زیاد منظور جابر بن یزید جعفی است) می‌نویسد: «كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ (ع) يُبَكِّرُ إِلَى الْمَسْجِدِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ حِينَ تَكُونُ الشَّمْسُ قَيْدَ رَمَحٍ فَإِذَا كَانَ شَهْرَ

رمضان یكون قبل ذلك و كان يقول إن لجمع شهر رمضان على جمع سائر الشهور فضلاً
كفضل شهر رمضان على سائر الشهور».

امام باقر(ع) همیشه روزهای جمعه صبح زود به هنگامی که خورشید قدری بالا
آمده بود به مسجد می‌رفت اما در ماه رمضان از این وقت هم زودتر و همیشه می‌فرمود
برای جمعه‌های ماه رمضان نسبت به جمعه‌های دیگر سال فضیلت و برتری است به
نسبت فضیلت ماه رمضان بر ماه‌های دیگر. (عاملی، ۱۳۷۳ش، ج ۵، ص ۴۳، ح ۲)
۴-۳. و زراره می‌گوید: حثنا أبو عبد الله (ع) على صلاة الجمعة حتى ظننت أنه يريد
أن تأتيه فقلت: نغدوا عليك؟ فقال لا إنما عنيت عندكم.

امام صادق(ع) آن قدر ما را به نماز جمعه تشویق کرد که گمان کردم منظورشان
آن است که خدمت ایشان برسیم و نماز را با ایشان بخوانیم. فرمودند نه منظور همان
نمازی است که خودتان دارید. (عاملی، ۱۳۷۳ش، ج ۵، ص ۱۲، ح ۱)

۵-۳. و نیز زراره از عبدالملک از امام باقر(ع) نقل می‌کند که فرموده‌اند: «قال
مثلک يهلك و لم يصل فريضة فرضها الله. قال: قلت: كيف أصنع؟ قال: صلوا جماعة
يعنى صلاة الجمعة»؛ مثل تو هلاک می‌شود اگر واجبی را که خدا فرض کرده برپا ندارد.
گفتم چه کنیم؟ فرمودند به جماعت بخوانید (یعنی نماز جمعه را). (عاملی، ۱۳۷۳ش،
ج ۵، ص ۱۲، ح ۲)

۶-۳. و امام کاظم(ع) از روز پنجشنبه برای روز جمعه آماده می‌شدند: «محمد بن
علی بن الحسین: و كان موسى بن جعفر (ع) يتهيأ يوم الخميس للجمعة». (همان،
ص ۴۷، ح ۳)

آنچه از این روایات (و روایات فراوان دیگری که با همین مضامین آمده) استفاده
می‌شود اینکه ائمه(ع) خود در نمازهای جمعه‌ای که از طرف سلطه حاکم برگزار
می‌شد شرکت می‌کردند و شیعیان را نیز تشویق و تشجیع می‌نمودند و شاید سر مطلب
آن باشد که نماز جمعه مشهد عامی است که همه‌ی مسلمانان از همه‌ی طبقات حضور
می‌یابند. پس ضرورت دارد ائمه‌ی اطهار(ع) و شیعیان آن‌ها هم حاضر باشند تا مردم
آن‌ها را بشناسند و تهمت‌ها و افتراهای دشمنان و جاهلان را با حضورشان باطل و
حداقل کمرنگ نمایند.

۴. بررسی نصوص شرعی (کتاب و سنت) با رویکرد فقهی جهت استخراج حکم
قبل از بررسی نصوص شرعی لازم است به عنوان مقدمه، بحث اقسام واجب و معنای
هر قسم را مرور کنیم:

۴-۱. تبیین معنای واجب و اقسام آن

واجب چیزی است که شارع مقدس به آن امر کرده و ترک آن مجازات دارد. واجب اصلی واجبی است که در وجوب اصالت دارد مانند نماز و واجب تبعی واجبی است که به تبع واجب دیگری واجب شده است. مانند مقدمات سفر حج که به تبع وجوب حج واجب می‌شود.

واجب تعبدی واجبی است که در انجام آن قصد قربت لازم است مانند روزه‌ی ماه رمضان و واجب توصلی واجبی است که در انجام آن قصد قربت لازم نیست مانند اداء دین، جواب سلام دادن، کفن و دفن میت.

واجب تخییری واجبی است که بدلی هم‌عرض خود دارد و مکلف باید یکی از آن‌ها را به‌جا آورد مانند شصت روز روزه گرفتن برای کفاره، افطار عمدی در ماه رمضان که عدل آن شصت مسکین را طعام دادن یا بندهای را آزاد کردن است و مکلف باید یکی از آن‌ها را انجام دهد.

واجب تعیینی واجبی است که وجوب به شخص آن تعلق گرفته است مانند نماز، روزه و حج و چیز دیگری جایگزین آن نمی‌شود. واجب عینی واجبی است که هر مکلفی شخصاً باید آن را انجام دهد و با اقدام دیگران از عهده‌ی او ساقط نمی‌شود مانند روزه‌ی ماه مبارک رمضان و واجب کفایی واجبی است که هر مکلفی باید آن را انجام دهد ولی با اقدام دیگران (و حصول نتیجه) از عهده او ساقط می‌شود مانند جهاد در راه خدا که وقتی نتیجه لازم حاصل شد دیگران وظیفه‌ای ندارند. (سبحانی، ۱۴۲۸ق، ص ۵۳ و نیز محمدی، ۱۳۷۵ش، صص ۴۶-۴۹ و نیز بنی‌هاشم، ۱۳۷۶ش، ج ۲، ص ۳۰)

جهت روشننگری بیشتر و از باب عبارت مشهور «تعرف الاشیاء به اعدادها او باقرانها» یعنی چیزها از راه معرفی ضد آنها یا همراهان آنها شناخته می‌شوند، جدول زیر را طراحی کرده‌ایم:

ردیف	اقسام واجب	مثال	واجب مقابل	مثال
۱	واجب اصلی	نماز	واجب تبعی	وضو به تبع نماز
۲	واجب تبعدی	روزه	واجب توصلی	اداء دین
۳	واجب تخییری	۶۰ روز روزه یا ۶۰ مسکین را سیر کردن	واجب تعیینی	حج برای مستطیع
۴	واجب عینی	پرداخت خمس	واجب کفایی	جهاد، امر به معروف و

حال با توجه به توضیحی که پیرامون معنای واجب و تقسیمات آن بیان گردید می‌گوییم:

نماز جمعه یک عبادت و به تعبیر دیگر واجب تبعدی است که دستورات و احکام آن را باید از ناحیه شرع و وحی دریافت کرد و عقل انسانی در حدود و ثغور این فرضیه دخالتی ندارد مگر مواردی که وحی آن را به عقل واگذار کرده است. بنابراین بهترین راه برای فهم حکم این دستور الهی، مراجعه به قرآن کریم و روایات پیامبر (ص) و دیگر امامان معصوم (ع) است تا ببینیم لحن آیات و روایات کدام یک از اقسام وجوب را برای نماز جمعه معین می‌کند.

پس از بیان این مقدمه، بررسی نصوص شرعی یعنی آیات و روایات را یکی پس از دیگری پی می‌گیریم:

۲-۴. بررسی آیه شریفه ۹ سوره جمعه

از قرآن کریم که اولین مصدر و منبع احکام است شروع می‌کنیم. خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَ ذَرُوا الْبَيْعَ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (جمعه: ۹)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید هنگامی که برای نماز در روز جمعه ندا دردهند، پس به سوی یاد خدا بشتابید و خرید و فروش را رها کنید. این برای شما بهتر است اگر بدانید.

شیخ مفید در کتاب خود «المقنعه» ضمن اشاره به آیه شریفه و روایات اهل بیت (ع) این نماز را واجب معرفی می‌کنند که یکی از شرط‌های لازم آن به جماعت خواندن است. ایشان می‌نویسد: روایات معصومان در ذیل آیه شریفه آمده که خداوند متعال از جمعه تا جمعه سی و پنج نماز را بر بندگان واجب کرده و به جماعت خواندن را تنها در نماز جمعه فرض نموده است. (مفید به نقل از حر عاملی ۱۳۷۳ ش، ج ۵، ص ۶)

شیخ طوسی که هم فقیه است و هم مفسر، ذیل این آیه شریفه می‌نویسد: «معناه اذا سمعتم اذان يوم الجمعة فامضوا الى الصلاة و فرض الجمعة لازم على جميع المكلفين الا صاحب العذر من سفر او مرض او عمى او عرج او آفه و غير ذلك و ظاهر الآية متوجه الى المؤمنين. يعنى الصلاة التى فيها ذكر الله معناه اذا دخل وقت الصلاة اتركوا البيع و الشراء و هو الذى يقتضيه ظاهر مذهبنا لان النهى يدل على فساد المنهى عنه. يعنى ما ذكره من السعى الى الصلاة فى دينكم و انفع لكم عاقبه. صحه ما قلناه اى اعلموه». (طوسی، ۱۳۹۰ ق، ج ۱۰، ص ۸)

یعنی: هرگاه اذان ظهر روز جمعه شنیدید به سوی نماز بشتابید و این واجب جمعه (نماز جمعه) بر همه مکلفان واجب است مگر افراد معذور مثل مسافر یا مریض یا کور یا لنگ یا غیره. ظاهر آیه خطاب به مسلمانان است و امر به ترک خرید و فروش دارد و ظاهر نهی دلالت بر فساد می‌کند و شتافتن به سوی نماز برای دین شما سودمندتر و دارای عاقبت بهتری است.

ملاحظه می‌شود که ایشان در تفسیر آیه می‌گویند نماز جمعه واجب و لازم است بر همه مکلفان الا کسانی که دارای عذر هستند و برخی از صاحبان عذر را معرفی می‌کنند: شخص مسافر، مریض، کور، لنگ و... .

و مرحوم فیض کاشانی در ذیل آیه شریفه می‌آورد: امام باقر (ع) فرمودند: خداوند متعال از جمعه تا جمعه سی و پنج نماز را واجب کرد، یکی از آن‌ها باید به جماعت خوانده شود و آن نماز جمعه است و این نماز از نه نفر وجوبش برداشته شده: کودک، پیر فرتوت، دیوانه، مسافر، برده، زن، مریض، کور، کسی که فاصله‌اش دو فرسخ و بیشتر باشد. و اخبار در وجوب بیش‌تر از آن است که شمرده شود. (فیض کاشانی، ۱۴۰۲ق، ج ۵، ص ۱۷۴)

و مفسر معاصر مرحوم علامه طباطبایی در ذیل آیه شریفه می‌نویسد: و مراد از عبارت (الصلوة من یوم الجمعة) نماز جمعه‌ای است که تشریح شده است که در روز جمعه خوانده بشود و مراد از عبارت (السعی) راه رفتن سریع است و مراد از عبارت (ذکر الله) نماز است. یک قول ضعیف می‌گوید: مراد از عبارت (ذکر الله) خطبه قبل از نماز است و مراد از عبارت (و ذرو البیع) امر کردن نسبت به ترک کردن بیع است. مراد این است که برطبق آنچه سیاق افاده می‌کند از هر عملی که انسان را از نماز جمعه غافل می‌کند نهی شده است چه آن عمل بیع باشد یا غیربیع و علت اینکه از بیع نهی شده است این است که از بارزترین مصادیق غافل کننده از نماز است و معنی این می‌شود که: ای کسانی که ایمان آورده‌اید زمانی که برای نماز جمعه ندا در می‌دهند، پس کوشش نمایید تا به نماز جمعه برسید و بیع و هر آنچه که شمارا از نماز جمعه غافل می‌کند، رها بسازید. (طباطبائی، ۱۳۶۲ش، ج ۱۹، ص ۳۱۶)

خواننده گرامی را به دقت در آنچه از متن نصوص قرآن و روایات برداشت می‌شود و نیز آنچه مفسران و فقیهان در شرح آن‌ها برداشت کرده‌اند، دعوت می‌کنیم که آیا وجوبی که از آن یاد می‌شود وجوب تعیینی است یا تخییری؟ وجوب عینی است یا کفایی؟ اصل در وجوب عبادات عینی بودن است و کفایی بودن غالباً در غیر عبادات و یا عباداتی مثل جهاد و امر به معروف است که با حصول نتیجه در جامعه، دیگر نیازی به انجام مکرر احساس نمی‌شود. و باز اصل در عبادات تعیینی بودن است (خصوصاً با

توجه به لحن آیات و روایات) مگر آنکه دلیلی برای تخییری بودن باشد که کار دیگری می‌تواند جایگزین این عمل شود کاری که در عرض آن قرار دارد و در صورت نبودن دلیل بر این مطلب، تعیینی بودن تعیین می‌گردد.

اصل در واجبات، نفسی، عینی، تعیینی بودن است. اصل در واجبات نفسی (در مقابل غیری) عینی (در مقابل کفایی) و تعیینی (در مقابل تخییری) است مرحوم شهید صدر که یک فقیه و اصولی بزرگ عالم تشیع است در کتاب خود به این مطلب اشاره دارد:

به سبب اطلاق و قرینه حکمت می‌توان ثابت کرد که طلب نفسی است [نه غیری]، تعیینی است [نه تخییری]، عینی است [نه کفایی]. در توضیح این مطلب چنین گفته می‌شود که غیری بودن، اقتضا می‌کند که وجوب چیزی مقید باشد به وجوب آن غیر [چنان‌که گوییم وجوب وضو مقید به وجوب نماز است، پس اگر نماز واجب نبود، وضو هم واجب نمی‌شد، ولی طلب نفسی چنین تقیدی ندارد]. و تخییری بودن اقتضا می‌کند که وجوب چیزی، مقید باشد به عدم اتیان چیز دیگر [چنان‌که در کفاره شکستن روزه گوییم اگر روزه شصت روز را ترک می‌کنی، اطعام مساکین کن، ولی واجب تعیینی چنین تقیدی ندارد].

و کفایی بودن اقتضا می‌کند که وجوب آنچه مقید باشد به انجام ندادن دیگری [چنان‌که گوییم این غریق را نجات بده، اگر کس دیگری او را نجات نمی‌دهد] و همه این تقییدات در صورتی که قرینه‌ای [در مقام اثبات] بر آن نباشد، به وسیله [ظهور عرفی سیاقی مبنی بر اینکه ما لایقوله لایریده و به تعبیردیگر به وسیله] قرینه حکمت نفی می‌شود و در نتیجه معنای مقابل آن‌ها [یعنی نفسی و تعیینی و عینی بودن] ثابت می‌گردد. (صدر، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۱۰۹ و نیز اسلامی، ۱۳۷۸، جلد ۲، ص ۲۶۳)

یکی دیگر از اندیشمندان فقیه در مورد آیه مورد بحث سخنانی دارد که به چند نکته تقسیم کرده است:

اول؛ آنکه بنا به اتفاق مفسران مراد از ذکر در آیه شریفه نماز جمعه و یا نماز جمعه و خطبه‌های آن است چراکه در خطبه‌ها یاد خدا می‌شود و مردم به دستورات الهی سفارش و امر می‌شوند.

دوم؛ آنکه صیغه امر «فاسعوا» حقیقت در وجوب است و این مطلب با ذیل آیه «خیر لکم» منافاتی ندارد. چنانکه خداوند متعال در جای دیگر در مورد روزه واجب می‌فرماید: «و ان تصوموا خیر لکم» (و اگر روزه بگیرید برایتان بهتر است) (بقره: ۱۸۴) یا در مورد ترک محرّمات می‌فرماید: «اتّھوا خیرا لکم» (و اگر ترک کنید برای شما بهتر است) (نساء: ۱۷۱)

سوم؛ آنکه مورد نزول و شأن نزول آیه حکم را مخصوص آن زمان و آن مورد نمی‌کند و به اصطلاح مورد مخصص نیست و اصل آن است که خداوند متعال در آیات الهی در صدد تشریح و قانون‌گذاری است و یا قانون‌گذاری قبلی را تأکید و تأیید می‌کند.

چهارم؛ آنکه در آیه فعل «نودی» متعلق به «اذا» که شرطیه زمانیه است دلالت بر تحقق وقوع دارد به خلاف این مطلب که اگر گفته شده بود «ان نودی» که دلالت بر تحقق قطعی نداشت و فعل «نودی» مجهول است و باز دلالت بر تحقق قطعی دارد نگفته «اذا ینادی» یا «ان یناد» و در مجموع «اذا نودی» یعنی اذان ظهر جمعه که حتماً در جامعه اسلامی حاصل می‌شود و البته مسلمانان چون می‌دانند هر جمعه‌ای ظهر دارد و اذان دارد قبل از آن از باب مقدمه واجب برای مقدمات این نماز آماده می‌شوند.

پنجم؛ آنکه اگر آیه مورد بحث را با آیه شریفه «و اقم الصلوٰۃ ان الصلوٰۃ تنھی عن الفحشاء و المنکر و لذكر الله اکبر» بیا دارید. نماز را به درستی که نماز انسان را از زشتی‌ها و بدی‌ها دور می‌کند. هرآینه ذکر خدا بزرگ‌تر است (عنکبوت: ۴۵)؛ مقایسه کنیم نتیجه می‌گیریم که نماز جمعه از همه نمازهای یومیه بزرگ‌تر و باارزش‌تر است و امر «رقم» در این آیه امر به آن نیز می‌باشد شاید وجه ارزشمندتر بودن این نماز لزوم اجتماع مسلمانان و در بردارنده بودنش نسبت به حمد و ثنای خدا و مواعظ و بیدارسازی امت اسلام باشد.

ششم؛ آنکه اگر در این سوره از برخی یهودیان مذمت می‌کند و آنان را مانند الاغ‌هایی معرفی می‌کند که بر پشت خود تورات حمل می‌کنند اما در عمل و عقیده با آن مخالفاند. این مطلب اشعار به مذمت کسانی است که سوره جمعه را می‌خوانند و آیات روشن آن را تاویل می‌کنند و در عقیده و عمل با آن مخالفت می‌ورزند.

هفتمین؛ و آخرین نکته اینکه امر به سعی (اسعوا) اطلاق دارد و شامل امام و مأموم می‌گردد یعنی هم وجوب اقامه را، هم وجوب حضور را و از طرف دیگر «إذا نودی» اطلاق دارد هم به اذن سلطان معصوم هم سلطان عادل هم به غیر اذن این دو را در برمی‌گیرد». (محمدی مرعشی، ۱۳۴۵ق، صص ۵۶-۵۸ با تلخیص)

هم ایشان آیات دیگری از قرآن را نیز برای مبحث قابل استناد می‌داند (همان، صص ۵۸-۶۰ با تلخیص و اضافات) گویاترین آیه در بحث نماز جمعه آیه نهم سوره جمعه بود که گذشت. اما آیات دیگری نیز بر این مسئله اشعار دارد از جمله آیه:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ» (منافقون: ۹)؛ ای اهل ایمان مبدا مشغول سازد شما را مال و فرزندانتان از یاد خدا کسانی که مال و فرزندانشان آنان را از یاد خدا باز دارند زیانکارانند.

استدلال به آیه به این است که در آیه قبل گفتیم منظور از ذکر الله نماز جمعه است (حال یا به طور عموم یا خصوص). و از طرف دیگر در نماز جمعه مستحب است که سوره منافقون خوانده شود زیرا در این سوره اشاره و دلالتی بر وجوب نماز جمعه است).

۳-۴. بررسی آیات دیگر

«أَتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرِ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ» (عنکبوت: ۴۵)؛ ای پیغمبر آنچه از قرآن به تو وحی می‌شود برای مردم بخوان و نماز را به پادار که اقامه نماز از فحشا و فساد جلوگیری می‌نماید همانا یادآوری خدا بزرگ‌تر است و به آنچه مردم می‌کنند خداوند دانا و آگاه می‌باشد.

استدلال به آیه ضمن استفاده از نکته قبلی آن است که اگر خداوند متعال امر به نماز عادی می‌کند این امر به طریق اولی امر به آنچه را که برتر و بالاتر است نیز شامل

می‌شود. و نماز جمعه به عنوان مصداق خاص یا عام ذکر الله برتر از نماز عادی است به ویژه آنکه به صراحت در قرآن و روایات به آن امر شده است. «وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَعْمَى» (طه: ۱۲۴)؛ و هر کس از هدایت من [که سبب یاد نمودن از من در همه امورات] روی بگرداند، برای او زندگی تنگ [و سختی] خواهد بود، و روز قیامت او را نابینا محسور می‌کنیم.

استدلال به این صورت است که نماز جمعه اگر مصداق خاص ذکر نباشد مصداق عام آن هست و وعده عذاب، دلالت بر لزوم ذکر الهی دارد. (محمدی مرعشی، ۱۳۴۵ق، صص ۶۰-۶۵ با تلخیص و تنقیح)

«حَافِظُوا عَلَيَّ الصَّلَاةِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَ قَوْمُوا لِلَّهِ قَائِتِينَ» (بقره: ۲۳۸)؛ بر نمازها به ویژه نماز میانه، پایبند باشید و مطیعانه برای خدا به پا خیزید.

از امام باقر (ع) روایت شده که فرمودند منظور از نماز وسط در این آیه «هی الجمعة و الظهر فی سائر الأيام و هی اول صلوة صلیها رسول الله (ص) و هی وسط الصلاتین بالنهار صلوة الغداة و صلوة العصر».

یعنی نماز وسط نماز جمعه است و نماز ظهر دیگر روزها. و این نخستین نمازی است که رسول خدا (ص) آن را در وسط دو نماز روز (نماز صبح و نماز عصر) خواند. (کلینی، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۲۷۲)

و در روایت دیگری که زراره از امام باقر (ع) نقل کرده آمده است این آیه در روز جمعه نازل شد و رسول خدا (ص) در سفر بودند و دو رکعت خواندند ایشان برای مقیم دو رکعت دیگر افزودند که این دو رکعت به جای دو خطبه نماز جمعه است پس کسی که نماز ظهر جمعه را در جماعت نخواند (نماز جمعه نخواند) باید چهار رکعت مثل سایر روزها بخواند. (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۴۹۷)

قبل از ورود به روایات و بررسی مفاد آنها بیان دو نکته خالی از فایده نیست:
نکته اول؛ آنکه در آیه نهم سوره جمعه و برخی دیگر از آیات یاد شده خداوند امر می‌کند و امر ظهور در وجوب دارد و به تعبیر دیگر به فرد اکمل طلب که همانا

و جوب است انصراف دارد و اگر کسی بخواهد از آن استحباب استفاده کند لازم است برای مدعای خود دلیل بیاورد

و نکته دیگر؛ آنکه خداوند متعال آیات قرآن را برای هدایت همه انسان‌ها تا روز قیامت فرستاده و زمان غیبت نمی‌تواند استثنائی بر این امر باشد و مفسران گرانقدری که از آن‌ها در تفسیر آیات مطالبی را نقل کردیم و حتی کسانی که به جهت عدم تکرار از آن‌ها نقل نکردیم همه آن‌ها خود در زمان غیبت می‌زیسته و آنچه در شرح آیات آورده‌اند برای همه زمان‌ها از جمله زمان غیبت کاربرد دارد و دلیلی وجود ندارد که سخن آنان را به زمان حضور معصوم (ع) اختصاص دهیم.

۵. بررسی روایات پیرامون نماز جمعه

حال روایات وارد شده در این باب را یکی پس از دیگری نقل می‌کنیم:

۵-۱. روایات نفی غیر نماز جمعه در روز جمعه

در کتاب منسوب به امام رضا (ع) با عنوان «*فقه الرضا*» آمده است: قال امیرالمؤمنین (ع) : لا کلام و الامامُ یخطبُ و لا التفاتَ و انما جعلت الجمعة رکعتین من أجل الخطبتین جُعلا مکانَ الرکعتین الأخیرتین فهی صلاةٌ حتی ینزل الامامُ و اذا زالت الشمسُ من یوم الجمعة فلا تُصل إلا المکتوبه. (مروارید، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۲۰، کتاب فقه الرضا)

امیر مومنان علی (ع) فرمودند در حالی که امام خطبه می‌خواند مامومین نباید سخن بگویند و به جای دیگر توجه کنند و اگر نماز جمعه دو رکعت قرار داده شده به خاطر وجود دو خطبه است که به جای دو رکعت دیگر قرار داده شده‌اند پس این دو رکعت خود جزئی از نماز هستند. و هرگاه ظهر روز جمعه شود جز نماز جمعه نخوان. ملاحظه می‌شود که از این نهی که حضرت نسبت به خواندن غیر نماز جمعه فرموده‌اند تعیینی بودن آن برداشت می‌شود نه تخییری بودن آن و از طرفی کلام حضرت اطلاق دارد و زمان غیر حضور را نیز شامل می‌شود.

۲-۵. روایت مهر بر دل تارک جمعه زدن

امام باقر (ع) فرمودند: هر کس نماز جمعه را سه بار متوالی بدون داشتن عذری ترک کند خداوند بر دل او مهر می‌زند. (عاملی، ۱۳۷۳ش، ج ۵، ص ۴، و نیز بروجردی، ۱۳۹۷ق، ج ۶، ص ۴۱۶، و نیز مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۶، ص ۱۶۵ و نیز ترمذی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۳۷۳)

یادآوری می‌شود امام باقر (ع) در زمانی زندگی می‌کردند که برگزاری نماز جمعه به دست ایشان نبود بلکه خلفای جور این نماز را اقامه می‌کردند و در روایات سخن از بدل نماز جمعه وجود ندارد و اخبار به مهر زدن بر دل، اخبار ترسناکی است که خداوند این عقاب را برای کافران در قرآن کریم معرفی می‌کند:

«إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ . خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (بقره: ۶-۷)؛ همانا کسانی که کافر شدند چه آن‌ها را بیم بدهی و چه ندهی بر آن‌ها یکسان است و آن‌ها ایمان نمی‌آورند- خداوند بر قلب‌ها و گوش‌ها و چشم‌هایشان مهر زده است و برای آن‌ها عذاب بزرگی است.

۳-۵. روایت هلاکت

«عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) أَنَّهُ قَالَ لِعَبْدِ الْمَلِكِ مَثَلُكَ مِثْلُكَ يَهْلِكُ وَ لَمْ يَصِلْ فَرِيضَةٌ فَرَضَهَا اللَّهُ عَلَيْهِ قَالَ قُلْتُ كَيْفَ أَصْنَعُ قَالَ صَلَّى صَلَاتَهَا جَمَاعَةً يَعْنِي الْجُمُعَةَ». (بروجردی، ۱۳۹۷ق، ج ۶، ص ۴۱۵ و نیز طوسی، ۱۳۶۳ش، ج ۱، ص ۴۲۰)؛ امام باقر (ع) به عبدالملک (یکی از اصحابشان) فرمودند: کسی مثل تو هلاک می‌شود، زیرا فریضه‌ای را که خداوند بر او واجب کرده، ترک می‌کند. گفتم چگونه آن را انجام دهم. فرمودند آن را به جماعت بخوان (یعنی واجب است نماز جمعه را به جماعت خواند).

ملاحظه می‌شود که تعبیر به هلاکت و اطلاق روایت، تعیینی بودن این وجوب را می‌رساند نه تخییری بودن آن را.

۵-۵. منافی شدن تارک جمعه

امام باقر (ع) فرمودند: نماز جمعه واجب است و به جماعت خواندن با امام عادل واجب است پس کسی که سه جمعه را بدون عذر ترک کند سه واجب را ترک کرده و سه واجب را کسی بدون عذر ترک نمی‌کند جز منافق.
قبلاً گفتیم که تعبیر «امام عادل» انحصار در امام معصوم (ع) ندارد و به قرینه روایات دیگر که جماعت بودن در این فریضه را شرط می‌دانند منظور امام عادل است که قابلیت اقامه نماز جماعت را داشته باشد.

۵-۶. وجوب نماز جمعه بر کسی که کمتر از دو فرسخ فاصله دارد

مرحوم کلینی به واسطه روایان از زراره و محمد بن مسلم از امام باقر (ع) نقل می‌کند که فرمودند: نماز جمعه بر کسی که فاصله‌اش کمتر از دو فرسخ باشد واجب است.
آیا در این روایت اثری و خبری از بدل این واجب وجود دارد؟ و یا آن را منوط به زمان حضور امام معصوم می‌کند؟! (کلینی، ۱۳۸۷ق، ج ۶، ص ۴۵۹ و نیز عاملی، ۱۳۷۳ش، ج ۵، ص ۵)

۵-۷. روایت وجوب خاص یک نماز از میان سی و پنج نماز

مرحوم شیخ کلینی که خود قائل به وجوب عینی تعیینی نماز جمعه هستند روایت دیگری را در: «باب وجوب الجمعة» از امام صادق (ع) نقل کرده‌اند:
«عن ابی بصیر و محمد بن مسلم عن ابی عبدالله (ع) قال: إن الله عزوجل فرضَ فی کلِّ سبعةِ ایامٍ خمساً و ثلاثینَ صلاةً منها صلاةٌ واجبةٌ علی کلِّ مسلمانٍ یشهدها إلا خمسَةَ المریضِ و المملوکِ و المسافرِ و المرأةُ و الصبی» (کلینی، ۱۳۸۷ق، ج ۶، ص ۴۵۹ و نیز عاملی، ۱۳۷۳ش، ج ۵، ص ۵)

خداوند عزیز و با عظمت در هر هفت روز سی و پنج نماز را بر هر مسلمانی واجب کرد که یکی از آن‌ها نماز جمعه است و بر همه مسلمانان حضور در آن واجب است به استثنای بیمار، برده، مسافر، زن و کودک.

۵-۸. روایات معرفی معذورین اشعار بر وجوب نماز جمعه دارد

مرحوم مجلسی در کتاب شریف «بحار الانوار» حدیثی را از قول رسول گرامی (ص) نقل می‌کند که فرمودند: «قال النَّبِيُّ (ص) الْجُمُعَةُ حَقٌّ وَاجِبٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ إِلَّا أَرْبَعَةً: عَبْدًا مَمْلُوكًا، أَوْ امْرَأَةً أَوْ صَبِيًّا أَوْ مَرِيضًا». (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۶، ص ۱۶۵)

در روایت دیگری در همین کتاب به جای «حق واجب»، «واجبه» آمده و بقیه مطالب روایت مشابه است. (همان و نیز عاملی، ۱۳۷۳ق، ج ۵، ص ۶)
یعنی: حضرت فرمودند نماز جمعه حق الهی است و برگردن هر مسلمانی واجب است به استثنای چهار نفر: عبدمملوک، زن، کودک و مریض.

حال استدلال به این دسته روایات مبنی بر این مطلب است که اگر عملی وجوب تعیینی نداشته باشد (مثلاً مستحب باشد یا واجب تخییری) دیگر معرفی کردن معذورین چه معنا دارد؟!

نکته: ذکر موارد استثنا در کلام معصومان (ع) از باب بیان موارد و تمثیل است نه از باب انحصار، لذا در روایتی چهار نفر، در روایتی پنج نفر و در روایتی هفت یا هشت نفر یا نه نفر مستثنی شده‌اند، به تعبیر منطقیون «اثبات شیء نفی ما عدا نمی‌کند».

۵-۹. روایت نبوی تصریح کننده به وجوب تا روز قیامت

و قال (ص): «إِنَّ اللَّهَ كَتَبَ عَلَيْكُمْ الْجُمُعَةَ فَرِيضَةً وَاجِبَةً إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (عاملی، ۱۳۷۳ق، ج ۵، ص ۶).

ملاحظه می‌شود که در این روایت چهار نکته تأکیدی وجود دارد: «کتب علیکم»، «فریضه»، «واجبه» و «إلی یوم القیامه» و از وجود بدلی که در عرض این واجب باشد سخنی به میان نیامده است و از مشروط بودن به زمان حضور معصوم یادی نشده است.

۵-۱۰. روایت اکرام خدا نسبت به مؤمنین توسط نماز جمعه

مرحوم کلینی روایت حسنی که در قوت مثل صحیح است از امام باقر (ع) نقل می‌کند که فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ أَكْرَمَ بِالْجُمُعَةِ الْمُؤْمِنِينَ فَسَنَّا رَسُولُ اللَّهِ (ص) بَشَارَةً لَهُمْ وَ تَوْبِيخًا لِّلْمُنَافِقِينَ وَ لَا يَنْبَغِي تَرْكُهَا فَمَنْ تَرَكَهَا مُتَعَمِّدًا فَلَا صَلَاةَ لَهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۶، ص ۱۳۸ و نیز کلینی، ۱۳۸۷ق، ج ۶، ص ۴۶۴)

یعنی: خداوند مؤمنان را با نماز جمعه اکرام کرده و رسول اکرم (ص) نماز جمعه را سنت خویش قرار داد برای اینکه بشارتی برای مؤمنان و توبیخی برای منافقان باشد و ترک آن شایسته نیست و هر کسی آن را عمدتاً (بدون عذر) ترک کند نمازش مقبول نخواهد بود.

آیا می‌توان از تعبیری مثل فلا صلاة له، فلا حج له، فلا صوم له و... که نسبت به تارک این فریضه آمده به راحتی گذشت و آن را توجیه کرد و خواندن نماز ظهر را مساوی این نماز قرار داد و بدون عذر نماز جمعه را ترک کرد؟! حاشا و کلا.

۵-۱۱. روایت امر به مکتوبه

مرحوم کلینی روایت دیگری را از امام صادق (ع) در این به اره نقل کرده‌اند: «عن یونس بن عبدالرحمن عن عبدالله بن سنان، قال: قال ابو عبدالله (ع): إذا زالت الشمسُ یومَ الجمعةِ فأبدأ بالمکتوبه». (کلینی، ۱۳۸۷ق، ج ۶، ص ۴۶۴)

یعنی: امام صادق (ع) به صحابی‌اش عبدالله بن سنان فرموده: هرگاه خورشید در روز جمعه به وسط آسمان رسید (یعنی ظهر شد) انجام تکلیف نوشته شده را شروع کن.

تردیدی نیست که منظور از این تکلیف نوشته شده نماز جمعه است چراکه نماز ظهر در روزهای دیگر هم واجب است و آنگاه جمله «اذا زالت الشمس يوم الجمعة» نیاز ندارد.

۵-۱۲. وجوب جمعه با تکمیل هفت نفر

مرحوم شیخ طوسی در «الاستبصار» روایت زیر را نقل می‌کند: «عن عمر بن یزید عن ابی عبدالله (ع) قال: إذا كانوا سبعة يوم الجمعة فليصلوا في جماعة». (طوسی، ۱۳۶۳ق، ج ۱، ص ۴۱۸)

امر امام (ع) مبنی بر اینکه اگر هفت نفر شدند پس باید به جماعت بخوانند نشان دهنده دو مطلب است:

اول؛ وجوب نماز جمعه چراکه برگزاری نمازهای جماعت غیر از جمعه واجب نیست، و دوم؛ شرط حضور هفت نفر در این نماز.

۵-۱۳. وجوب جمعه با تکمیل هفت یا پنج نفر

«عن ابی العباس عن ابی عبدالله (ع) قال: أدنی ما یُجزی فی الجمعة سبعة أو خمسة أدناه». (همان، ص ۴۱۹)؛ امام (ع) می‌فرماید: کم‌ترین تعدادی که در نماز جمعه لازم است هفت یا پنج نفر است.

با این توضیح که اگر پنج نفر شدند امکان برگزاری نماز جمعه فراهم می‌شود و اگر هفت نفر شدند برگزاری آن در صورت وجود شرایط دیگر مثل خطیب بودن امام و عدالت او واجب می‌گردد. (مضمون این روایت توسط راویان از امام باقر (ع) نیز نقل شده است)

۵-۱۴. روایت معرفی تعداد نمازگزاران همراه با معرفی معذورین

عن منصور بن حازم عن ابی عبدالله (ع) قال: یجمعُ القومَ یومَ الجمعةِ اذا كانوا خمسةً فمأزاد و إن كانوا اقلَّ من خمسة فلا جمعة لهم و الجمعةُ واجبةٌ علی کلِّ احدٍ لا یعذرُ النَّاسُ فیها الا خمسةُ المرأةُ و المملوکُ و المسافرُ و الصبیُّ و المریضُ. (طوسی، ۱۳۶۳ق، ج ۱، ص ۴۱۹ و نیز عاملی، ۱۳۷۳ش، ج ۵، ص ۵)

ملاحظه می‌شود که قسمت اول روایت به شرط جماعت حداقل پنج نفری تصریح دارد و کلمه قوم همه مردم را در بر می‌گیرد در همه زمان‌ها و همه مکان‌ها و نه اختصاصی به حضور امام معصوم (ع) در میان این پنج نفر دارد و نه اختصاصی به زمان حضور امام معصوم (ع) و قسمت دوم روایت می‌گوید: کسی از رفتن به نماز جمعه معذور نیست مگر پنج نفر: زن، برده، مسافر، کودک و بیمار.

حال آیا در این روایت و امثال آن برشماری معذوران نسبت به نماز جمعه به چه معناست؟ و آیا ترخیص نسبت به ترک نماز برای غیر افراد استثنا شده وجود دارد؟! فتوی به وجوب تخیری از کجا حاصل شده و به چه دلیل؟! در مقاله‌ای دیگر به آن می‌پردازیم.

۵-۱۵. روایت دیگر معرفی معذورین وجوب نماز جمعه

در روایتی امام امیرمؤمنان (ع) در خود خطبه نماز جمعه وجوب آن را بر مؤمنان گوشزد می‌کند:

«قال و خطب امیرالمؤمنین (ع) فی الجمعة فقال: أَلحمدلله الولیِّ الحمید الیان قال: و الجمعةُ واجبةٌ علی کلِّ مؤمنٍ الا علی الصبیِّ و المریضِ و المجنونِ و الشیخِ الكبیرِ و الأعمیِّ و المسافرِ و المرأةِ و العبدِ المملوکِ و من كانَ علی رأسِ فرسخینِ». (عاملی، ۱۳۷۳ش، ج ۵، ص ۳)

امام امیرالمؤمنان (ع) در خطبه نماز جمعه گفت: سپاس خدای سرپرست حمدشدنی و تا آنجا که فرمود نماز جمعه بر هر انسان مسلمانی واجب است مگر بر کودک و بیمار و دیوانه و پیرفرتوت و کور و مسافر و زن و برده و هر کس بیش از دو فرسخ تا

نماز جمعه فاصله دارد. حال برای چندمین بار وجدان خواننده را به قضاوت فرا می‌خوانم. کجای این روایت و روایات دیگر به وجوب تخییری و یا به لزوم حضور معصوم (ع) اشاره یا صراحت دارد؟!!

۵-۱۶. روایت دیگر معرفی وجوب نماز جمعه

در روایت دیگری که شیخ صدوق (ره) گزارش کرده آمده است:

«قال ابو جعفر الباقر (ع) لزرارة بن أعین انما فرض الله عزوجل على الناس من الجمعة إلى الجمعة خمسا و ثلاثين صلاة منها صلاة واحدة فرضها الله عزوجل في جماعة و هي الجمعة و وضعها عن تسعة عن الصغير و الكبير و المجنون و المسافر و العبد و المرأة و المريض و الاعمي و من كان على رأس فرسخين». (صدوق، ۱۳۶۹ ش، ج ۲، ص ۸۰)

خواننده ژرف اندیش ملاحظه می‌کند که در هیچ یک از احادیث نه سخن از شرطیت حضور معصوم (ع) است و نه سخنی از زمان حضور و نه سخنی از بدلی که بتواند با نماز جمعه برابری کند و وجوب تخییری را به وجود آورد. و عباراتی مثل «فرض الله»، «کتب الله» و... در وجوب عینی تعیینی ظهور دارد بلکه نص است نه بر وجوب تخییری. به روایت دیگری که ایشان آورده توجه کنید:

۵-۱۷. معرفی بارش باران به عنوان یکی از اعدار

«و روی عبدالرحمن بن ابی عبدالله عن ابی عبدالله (ع) انه قال: لا بأس أن تدع الجمعة في المطر». (همو، ص ۸۲)

یعنی امام صادق (ع) فرمودند: اشکالی ندارد که کسی نماز جمعه را در باران ترک کند. این روایت به عذر دهم اشاره دارد که می‌تواند عذری برای ترک نماز جمعه باشد و مفهوم آن می‌رساند که نماز جمعه وجوب عینی تعیینی است که برخی اعدار ذکر شده در روایات می‌تواند وجوب را به وجوب نماز ظهر تغییر دهد. نگارنده معتقد است

عذر باران نیز شاید در صورتی است که محل نماز جمعه مسقف نباشد و یا جاده‌ها خاکی و پرگل بوده که رفت و آمد دارای حرج و مشقت باشد و الا در این زمان‌ها با امکانات موجود بعید است آن را همیشه عذر بدانیم. شاید بتوانیم از حدیث زیر، عذر دیگری را نیز به دست آوریم:

۵-۱۸. شرط نماز جمعه جماعت است

«قال ابو جعفر (ع) : ... فَمَنْ صَلَّى يَوْمَ الْجُمُعَةِ فِي غَيْرِ جَمَاعَةٍ فَلْيَصَلِّهَا كَصَلَاةِ الظُّهْرِ فِي سَائِرِ الْأَيَّامِ». (همو، ص ۸۲)

کسی که نمی‌تواند نماز جمعه را در جماعت بخواند پس باید نماز ظهر بخواند مثل روزهای دیگر. یعنی در صورت نبود هفت نفر و یا امام عادل و یا امام خطیب عذر ترک نماز جمعه وجود دارد و الا از این بابت عذری نیست. روایت بعدی آنچه را گفتیم تأیید و تأکید می‌کند.

۵-۱۹. شرط نماز جمعه امام است

«و روى سماعه عن (ع) أنه قال: صلاة يوم الجمعة مع الامام ركعتان فمن صلى وحده فهي اربع ركعات» (همو، ص ۸۷)

البته واضح است که با توجه به دیگر روایات منظور امام (ع) که فرمودند: هرکس فرادی بخواند چهار رکعت است، کسی است که دارای عذر باشد و الا اگر بدون عذر کسی در جماعت شرکت نکند گناه کرده، بله پس از به جان خریدن این عصیان و عذاب آن، اگر بخواهد بار گناه تکلیف ظهر جمعه خود را سبک کند، به خواندن نماز ظهر می‌پردازد. دو روایت زیر آنچه را که گفتیم تأیید می‌کند:

۵-۲۰. درک یک رکعت جمعه درک جمعه است

«وَرَوَى الْفَضْلُ بْنُ عَبْدِ الْمَلِكِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: إِذَا ادْرَكَ الرَّجُلُ رُكْعَةً فَقَدْ ادْرَكَ الْجُمُعَةَ وَإِنْ فَاتَتْهُ فَلْيَصِلْ أَرْبَعًا؛» یعنی اگر کسی یک رکعت از نماز جمعه را درک کرد، نماز جمعه را درک کرده، اما اگر حتی یک رکعت را درک نکرد، باید نماز چهار رکعتی ظهر را بخواند.

ملاحظه می‌شود که نماز ظهر در هیچ یک از این روایات در عرض نماز جمعه قرار نگرفته بلکه در طول آن است اگر عذری پیش آمد و فرد نتوانست نماز جمعه را اقامه کند نوبت نماز ظهر می‌رسد نه آنکه ابتداءً هر کسی اختیار انتخاب یکی از این دو (نماز جمعه یا ظهر) را داشته باشد.

۵-۲۱. درک رکوع درک جمعه است

«وَرَوَى الْحَلْبِيُّ عَنْهُ (ع) أَنَّهُ قَالَ: إِذَا ادْرَكَتَ الْإِمَامَ قَبْلَانَ يَرْكَعُ الرُّكْعَةَ الْآخِرَةَ فَقَدْ ادْرَكَتَ الصَّلَاةَ وَإِنْ ادْرَكَتَهُ بَعْدَ مَا رَكَعَ فَهِيَ أَرْبَعٌ بِمَنْزِلَةِ الظُّهْرِ». (همو، ص ۹۰)؛ یعنی اگر امام را در رکوع دوم درک کردی نماز جمعه را درک کرده‌ای و آلاً باید نماز چهار رکعت ظهر را بخوانی.

بیان این نکته را در ذیل این حدیث لازم می‌دانم که علی‌رغم اهمیت خطبه‌ها در نماز جمعه، از دست دادن آن لطمه‌ای به نماز جمعه نمی‌زند و کفایت آن را نسبت به نماز ظهر زایل نمی‌سازد. بلکه درک دو رکعت و حتی یک رکعت و حتی یک رکوع از نماز ظهر چهار رکعتی کفایت می‌کند البته نمازگزار رکعت دوم را خود به شکل فرادی به جا می‌آورد.

۵-۲۲. نفی وجوب جمعه در سفر

«و روی ربیع بن عبدالله و فضیل بن یسار عن ابی عبدالله (ع) انه قال: لیس فی السفر جمعةٌ و لا فطرٌ و لا أضحی». (همو، ص ۹۰)؛ یعنی در سفر نماز جمعه، نماز فطر و نماز عید قربان واجب نیست.

مفهوم روایت آن است که در غیر سفر (در حضر) نماز جمعه واجب است. زیرا در جواز آن‌ها در سفر شکی نیست و امام در صدد نفی وجوب در سفر هستند نه نفی جواز.

۵-۲۳. امکان امامت یکی از هفت نفر در صورت عدم خوف

مرحوم شیخ صدوق روایت دیگری را از زراره از یکی از دو امام باقر (ع) و صادق (ع) نقل می‌کند: «و قال زراره: قلت له علی من یجب الجمعة؟ قال: تجب علی سبعة نفر من المسلمین. و لا جمعة لاقل من خمسة من المسلمین احدثهم الامام فاذا اجتمع سبعة و لم یخافوا امهم بعضهم و خطبهم». (همو، ص ۸۱)

زراره می‌گوید از امام (ع) پرسیدم نماز جمعه بر چه کسی واجب است؟ فرمود بر هفت نفر از مسلمانان (که تکمیل شوند) و نماز جمعه بر کمتر از پنج نفر نمی‌شود. یکی از این هفت یا پنج نفر امام هستند هرگاه هفت نفر جمع شوند و ترسی (از حکومت جور) نداشته باشند یکی از آن‌ها امامت را عهده دار شود و خطبه بخواند.

ملاحظه می‌شود که امام (ع) در این روایت امامت را به یکی از هفت مسلمان (که البته شرایط امامت جماعت و خطبه خواندن را داشته باشد) واگذار کرده است. بنابراین شرط امامت امام معصوم (ع) منتفی است بعلاوه در متن روایت صحبت از وجوب نماز جمعه است نه جواز آن و یا تخییر در وجوب.

۶. آیا نماز جمعه فقط بر ساکنان شهرها واجب است؟!

پس از ذکر اعذار که در روایات آمده می‌پرسیم آیا اهل روستا بودن عذری است برای عدم تشکیل نماز جمعه و عدم شرکت در آن یا خیر؟ زیرا مرحوم طوسی نقل کرده که: عن طلّاقه بن زید عن جعفر عن ابیه عن علی (ع) قال: «لا جمعهُ الا فی مصر یقامُ فیهِ الحدوُّ». (طوسی، ۱۳۶۳ق، ج ۱، ص ۴۲۰)؛ یعنی نماز جمعه برپا نمی‌شود مگر در شهری که حدود در آن اقامه می‌شود.

همچنین ایشان روایت دیگری به همین مضمون نقل کرده است:

«عن حفص بن غیاث عن جعفر عن ابیه (ع) قال: لیسَ علی اهلِ القُری جمعهٌ و الخُروجُ فی العیدین»؛ یعنی نماز جمعه و عیدین بر مردم روستا نشین واجب نیست.

جواب: وقتی روایات دیگر باب را با این روایت مقایسه می‌کنیم به ناچار باید جمع میان این روایات معارض برقرار کنیم. اگرچه کثرت روایات معارض با این روایت لزوم جمع عرفی را متفی می‌سازد و احتمال تقیه یا مجعول بودن و... را تقویت می‌کند به هر حال به سراغ جمع عرفی می‌رویم:

جمع ۱- این روایت اشاره دارد به آنکه در روستاها و مکان‌هایی که افراد آموزش لازم دینی را برای قابلیت امام جماعت شدن و خطیب بودن ندارند به ناچار شرط لازم برای تشکیل نماز جمعه را دارا نمی‌باشند، لذا باید نماز را در شهرهایی خواند که این شرط فراهم باشد.

جمع ۲- اگر بر روایاتی که به نوعی تأکید بر اذن امام (ع) (اذن خاص یا عام) دارد تأکید کنیم و برگزاری نماز جمعه را مشروط به اذن فقیه جامع‌الشرایط بدانیم آن‌گاه اذن او و یا حضور او در برقراری نماز جمعه در آغاز در شهرها و جاهای پرجمعیت حاصل می‌شود تا نسبت به روستاها و مکان‌های دورافتاده.

جمع ۳- امام علی (ع) در زمان خود حاکم و امام بودند و در زمان حکومت معصوم (ع) لزوم اذن نسبت به تشکیل نماز جمعه باعث می‌شود که به دلایل متعدد برخی از روستاهای دورافتاده که امکانات و شرایط لازم را ندارند نتوانند نماز جمعه را اقامه کنند.

جمع ۴- مرحوم شیخ طوسی ذیل خبر نقل شده می‌نویسد: «فالوجه فی هذا الخبر التقیه لانه موافق لمذاهب اکثر العامه»؛ یعنی وجه در این خبر آن است که از روی تقیه صادر شده چون این مطلب موافق مذاهب اهل تسنن است. (طوسی، ۱۳۶۳ق، ج ۱، ص ۴۲۰)

جمع‌های عرفی که بیان کردیم با برخی روایات که در آن‌ها پیرامون اهل روستاها صحبت می‌کنند تأیید می‌شود:

روایت اول:

«عن محمد بن مسلم عن احدهما (ع) قال: سألته عن أناسٍ فی قریهٍ هل یصلون الجمعة جماعه؟ قال: یصلون اربعاً إذا لم یکن من یخطب. (همو، ص ۴۱۹)

از امام (ع) سؤال می‌کنند آیا مردمی که در روستا هستند نماز جمعه می‌خوانند؟ امام (ع) می‌فرماید اگر اهل قریه (روستاییان) کسی را که بتواند خطبه بخواند ندارند باید نماز ظهر جمعه را که چهار رکعت است بخوانند.

مفهوم شرطی که از روایت برداشت می‌شود این است که اهل روستا هم اگر شرایط لازم از جمله داشتن امام عادل خطیب را دارند فرض آن‌ها نماز جمعه است نه نماز ظهر و روشن است که حجیت مفهوم شرط مورد نظر اکثر علمای فقه و اصول است.

روایت دوم:

«عن الفضل بن عبدالملک قال: سمعت ابا عبدالله (ع) یقول إذا کان قومٌ فی قریه صَلُّوا الجمعة اربع رکعات فإذا کان لهم من یخطب لهم جمَّعوا إذا کأنوا خمسۀ نفرٍ و انما جعلت رکعتین لمکان الخطبتین». (همو، ص ۴۲۰)

یعنی اگر گروهی در روستا کسی را دارند که بتواند برای آن‌ها خطبه بخواند و حداقل پنج نفر باشند دو رکعت جمعه می‌خوانند و به جای دو رکعت دیگر دو خطبه نماز جمعه می‌باشد و الا (اگر تعداد آن‌ها به پنج نفر نرسد یا خطیب نداشته باشند) باید چهار رکعت نماز ظهر را بخوانند.

نتیجه گیری

در این مقاله پس از بیان اهمیت نماز جمعه در خلال آیات و روایات، مروری اجمالی بر سیره رسول اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) نسبت به نماز جمعه داشتیم و سپس نصوص شرعی کتاب و سنت را پیرامون حکم تکلیفی نماز جمعه بررسی کردیم. در قسمت آیات مهم ترین آیه مورد استناد یعنی آیه نهم سوره جمعه را بررسی کردیم و در بخش روایات با نقل ده ها روایت از ده ها منبع روایی به این نتیجه رسیدیم که معصومان (ع) در بیان ایشان نماز جمعه را واجب دانسته اند و این وجوب، وجوب تعیینی و عینی است.

آن راهنمایان معصوم الهی، حتی در زمانی که نماز جمعه توسط حاکمان جور برگزار می شد در پاره ای از موارد تشویق بر شرکت در همان نمازها نموده و در پاره ای از موارد امر به تشکیل نماز جمعه توسط گروه حداقل پنج نفری مسلمانان داده اند. به هر روی در روایات متعددی عذرهایی که به خاطر آنها انسان می تواند نماز جمعه را ترک کند برشمرده که این عذرها عبارتند از: سفر، بیماری، کودکی، زن بودن، پیر بودن، نداشتن امام جماعت، نداشتن امامی که بتواند خطبه بخواند، فاصله دو فرسخ یا بیش از آن تا محل تشکیل نماز جمعه، کوری، لنگی، نرسیدن تعداد افراد به پنج یا هفت نفر. مطالعه کننده ژرف اندیش با ملاحظه روایات به خوبی تشخیص می دهد که مفهوم آیات و روایات چیزی جز حکم وجوب عینی تعیینی نماز جمعه را در همه زمانها افاده نمی کند و ما این مطلب را در کنار هر روایت و آیه که نقل کردیم یادآوری نمودیم. و البته اعمال این نظر (رأی وجوب تعیینی نماز جمعه) لوازمی دارد از جمله افزایش پایگاه های نماز جمعه در کشور خصوصا در شهر بزرگ تهران به طوری که لازم است حداقل ده پایگاه نماز جمعه در این شهر بزرگ بدین منظور طراحی شود.

اما چه دلیل یا ادله ای باعث شده که گروهی از فقهای عظام قول وجوب تخییری نماز جمعه را برگزینند؟ و بالاتر از آن چرا برخی از فقهاء حکم حرمت این فریضه الهی را در زمان غیبت صادر کرده اند؟ و چرا به طور کلی در جوامع شیعی (بر عکس جوامع اهل سنت) نسبت به این فریضه مصرح قرآنی و روایی توجه کامل علمی و عملی بذل

نمی‌شود؟ آیا واقعا اجماعی بر نفی وجوب تعیینی وجود دارد؟! و بر فرض وجود آیا این اجماع می‌تواند مفاد اینهمه روایت و آیه قرآنی را تغییر دهد؟! این‌ها پرسش‌هایی است که نویسنده در مقاله دیگری بدان‌ها پرداخته است چرا که گنجایش این مقاله بیش از این نیست.

کتابنامه

- قرآن کریم، ترجمه موسوی همدانی
احمد بن حنبل، (۱۴۰۸ق)، مسند، تهران: دارالفکر.
اسلامی، رضا (۱۳۷۸)، قواعد کلی استنباط، حلقه دوم، قم: حوزه علمیه قم.
الصدر، السید محمد باقر (۱۴۲۸ق)، دروس فی علم الاصول، الحلقة الاولى و الثانية، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
بروجردی، حسین (۱۳۹۷ق)، جامع احادیث الشیعه، تهران: دارالاولیاء.
بنی‌هاشم، سید محمدحسن (۱۳۷۶)، توضیح المسائل مراجع، تهران: دفتر انتشارات اسلامی.
ترمذی، محمد بن علی (۱۴۰۸ق)، الجامع الصحیح، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
سبحانی، جعفر (۱۴۲۸ق)، الموجز فی اصول الفقه، قم: مؤسسه الامام الصادق (ع).
صدوق، محمدبن علی (۱۳۶۹)، من لایحضره الفقیه، تهران: نشر صدوق.
طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۲)، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
طبرسی، ابی علی الفضل (۱۴۰۸ق)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفه.
طوسی، محمدبن الحسن (۱۳۶۳)، الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
طوسی، محمدبن الحسن (۱۳۹۰ق)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث.
عاملی، محمدبن حسن حر (۱۳۷۳)، وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، تهران: المکتبه الإسلامیه.
فیض کاشانی، محسن (۱۴۰۲ق)، تفسیر الصافی، بیروت: مؤسسه الأعلمی.

- قاضی، عبدالعزیز (۱۴۰۶ق)، المهدب، قم: النشر الإسلامی.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۸۷ق)، الکافی، تهران: دارالحدیث.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- محمدی، ابوالحسن (۱۳۷۵)، مبانی استنباط حقوق اسلامی، تهران: سروش.
- محمدی المرعشی، محمد الحاج سید اسماعیل (۱۳۴۵ق)، یک بررسی تحقیقی و استدلالی پیرامون وجوب نماز جمعه، تهران: صدر.
- مرتضی عاملی، سیدجعفر (۱۳۹۰)، سیره صحیح پیامبر اعظم (ص)، ترجمه دکتر محمدسپهری، تهران: سازمان اوقاف.
- مروارید، علی اصغر (۱۴۱۰ق)، سلسله التبايع العقهیه، تهران: الدارالإسلامیه.
- مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۰ق)، المقتنعه فی الأصول و الفروع، تهران: الدارالإسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۹)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- نوری، میرزا حسین (۱۳۸۲ق)، مستدرک الوسائل، تهران: المكتبة الإسلامیه.